

## سفرنامه حج عباس میرزا بیگدلی جرینی (درگذشته ۱۳۳۸ق)

به کوشش: علی اکبر صفیری

### مقدمه

سفر به کعبه در نزد ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد که چندان که باید به آن پرداخته نشده است. آثار مکتوب سفرنامه‌ای، فرهنگی ارزشمند به نام ادبیات حج را پدید آورده است که یکی از منابع پژوهش در تاریخ و جغرافیا و... است. ادبیات حج از نگاه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز دارای اهمیت فراوان است. رهاورد سفر با فرهنگی شیعی و گذر از سرزمین‌های گوناگون با آداب و رسوم دیگر و رویارویی با سختی‌ها و گرفتاری‌های راه حج اهمیت این سفرنامه‌ها را دوچندان کرده است.

سفر مکه برای نویسنده این متن که یک کشاورز ساده و رعیت حاکمان محلی بوده و در دورافتاده‌ترین مناطق روستایی بسر می‌برده، یک آرزوی دست نیافتنی بشمار آمده و رسیدن به آن نیز با خطرات و دشواری‌های بی‌شمار همراه بوده است. وی این مطالب را نه به جهت قلم فرسایی و تاریخ نویسی که برای یاد سپاری نوشته است. این سفرنامه به قلم حاج عباس میرزا فرزند حاج حسن که کشاورز ساده ساکن روستای جرین شهرستان خدابنده زنجان بوده قلمی شده است.

حاج عباس میرزا، نگارنده این سفرنامه، متولد روستای جرین از بخش مرکزی شهرستان

خدابنده زنجان بوده و زندگانی خود را به کشاورزی و دامداری بسر برده در همین روستا نیز به خاک سپرده شده است. سلسله نسب وی بدین شرح است: عباس میرزا فرزند حاج میرزا حسن فرزند قربان قلی فرزند پیغمبر قلی فرزند سعید محمد. سعید محمد بیگدلی بنیان گذار روستای سعید محمد شهرستان خدابنده است. روستای جرین در بخش مرکزی شهرستان خدابنده واقع شده و از طرف شرق به روستای اردلان، از غرب به پیرگاگل و علی آباد، از جنوب به روستای نورآباد (نورپهار)، از شمال به روستای شهرستانک منتهی می شود. این روستا در حدود سیصد خانوار سکنه دارد و اشتغال اهالی آن کشاورزی و دامداری است.

یادداشتی بر نسخه خطی کتاب شرح شمسیه<sup>۱</sup> متعلق به این خاندان در دست است، که تاریخ درگذشت حاج عباس میرزا را دو شنبه چهاردهم شعبان ۱۳۳۸ ثبت کرده است. این یادداشت بدین شرح است:

«تاریخ وفات مرحوم المغفور جنت مکان خلد آشیان حاجی عباس میرزا ابن المرحوم المغفور الجنّت مکان خلد آشیان حاجی میرزا حسن ساکن قریه جرین وقت میان بهاریوم دوشنبه چهاردهم شعبان المعظم هذه السنه قوی ئیل هزار و سیصد و سی و هشت من هجرة نبوی صلی الله علیه وآله وسلم ۱۳۳۸، اقل مشهدی جبار علی پسر حاجی عباس میرزا».

وی داری پنج پسر به نامهای مشهدی علی اصغر، علی میرزا، رمضان علی، جبار، علی داد و دود ختر بوده است.

حاج عباس میرزا از خاندان بزرگ بیگدلی بوده که از طوایف بزرگ ترک هستند. این تبار از روزگار صفویه تا کنون خدمات بسیاری را به فرهنگ و تمدن ایران تقدیم کرده اند و همواره به شجاعت و فضل شهرت داشته اند. این خاندان در بیشتر مناطق ایران مانند تهران، قم، ساوه، زنجان و... پراکنده شده اند.<sup>۲</sup>

۱. این نسخه دارای ترقیمه ۲۱ شعبان المعظم ۱۲۲۴ به کتابت محمد قاسم بن ملاعسکر رشتی در ۲۶۰ برگ به خط نسخ تحریری است.

۲. برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به کتاب پنج جلدی، تاریخ بیگدلی:

تاریخ بیگدلی - شاملو، غلامحسین بیگدلی، (تهران، نشر فتحی، ۱۳۷۲، ۱۳۵۴ ص) ج ۱ و ۲

تاریخ بیگدلی - شاملو، غلامحسین بیگدلی و محمدرضا بیگدلی (تهران، نشر آفرینش، ۱۳۷۴، ۸۲۴ ص) ج ۳

تاریخ بیگدلی - شاملو، مدارک و اسناد، غلامحسین بیگدلی و محمدرضا بیگدلی (تهران، نشر فتحی، ۱۳۶۷، ۱۰۷۲ ص) ج ۴

تاریخ بیگدلی - شاملو "شاعران، خوشنویسان و نویسندگان"، غلامحسین بیگدلی و محمدرضا بیگدلی ضیغمی (زنجان،

پشت برگ ۱۴۰ نسخه خطی کتاب شرح شمیّه یادداشت مبنی بر تاریخ سفر حج در سال ۱۳۱۹ ق است که عبارت است از «در سال ۱۳۱۹ قمری حاج عباس میرزا باتفاق پدر مرحومش حاج میرزا حسن به مکه مشرف شده اند»

این سفرنامه از شهر رشت آغاز شده تا انتهای عمره تمتع پایان یافته است. در آن شهرهای در مسیر، مخارج سفر شامل کرایه ها، هزینه تذکره، پول و اقلام خرید اجناس،... ثبت شده است. مسیر نویسندگان این سفرنامه از طریق شمال ایران به سمت دریای سیاه و از آنجا به استانبول و اسکندریه و کانال سوئز و سپس از جدّه و بازگشت نیز از همان راه بوده است. او یک ساعت به غروب مانده، روز ۲۷ رمضان ۱۳۲۱ از رشت سفر حج را نگاشته و یک ساعت به غروب مانده با کشتی های کوچک به بندر انزلی رفته است. روز ۲۸ رمضان از بادکوبه (باکو) انتقال یافته است. سپس همان روز از بادکوبه به بندر باتوم عزیمت کرده و عید فطر به آن شهر رسیده است. مسیر ماشین رورا که سی و شش منزل بوده چنین شرح داده است: گنجه، قره باغ، قره داغ، قره اوغلان، تفلیس، باتوم. مسیر دریایی نیز با گذر از شهر باتوم، طرابزون، گیره سون، اردو، صامسون، استانبول بیست روز به طول انجامیده است. نویسندگان ۲۰ سؤال گزارشی از ورود خود به شهر استانبول و از آنجا به ازمیر و تماشای برج ساعتی از میر نگاشته است. راه حج با حرکت از شهر ازمیر به آتن ادامه یافته و از آتن به مصر؛ شهر اسکندریه رسیده است. وی این راه را با کشتی به مدت ده روز (تا پایان سؤال) پیموده است. نویسندگان هلال ماه ذیقعد را در این شهر رؤیت نموده است. زمان عبور از کانال سوئز و بندرهای پورت سعید، یبک، جدّه نیز چهارده روز به طول انجامیده است. آخرین گزارش سفر در این سند رفتن از جدّه به مکه به مدت دو روز است. مجموع زمان مسیری - از رشت تا مکه - مدت پنجاه روز بوده است. متأسفانه گزارش حرکت آغازین نویسندگان از روستای جرین تارشت و همچنین اعمال حج تمتع و منا و عرفات و مشعر و سفر مدینه و بازگشت از مکه نانوخته مانده است. از فهرست اشیاء خریداری شده و شهر خرید آن، بدست می آید بازگشت نیز از همان شهر صورت پذیرفته است.

در سال نگارش این حج نامه - ۱۳۱۹ ق - دو سفرنامه دیگر نیز در دست است که از همین راه انجام شده که عبارتند از: سفرنامه حج عبدالله امیر نظام قراگوزلو که با شیخ فضل الله نوری ۱۵ شوال آغاز شده و پس از رسیدن به استانبول در ۲۷ شوال و نه روز اقامت در این شهر در

پنجم ذی حجّه به مکه رسیده است. امیرنظام این مسیر را در چهل و دو روز پیموده که منصب حکومتی او و همراهی شیخ فضل الله نوری - از علمای طراز اول پایتخت - دلیل سرعت و عدم تأخیر او در این سفر است. دیگری سفرنامه رئیس الذاکریین که در ۲۶ رجب آغاز شده و گزارشی در تاریخ هشتم شوال از اسکندریه در آن ثبت شده است. خروج وی در ۲۷ رجب از ایران و ورود به شهر استامبول در ۲۱ شعبان و اقامت بیش از یکماه در این شهر داشته است. این زمان با سفر حج حاج عباس میرزا از رشت تا استامبول - ۲۷ رمضان تا ۲۰ شوال - همخوانی دارد.<sup>۱</sup> سعادت مندانه تفصیل مسافرت و بسیاری از حوادث حج سال ۱۳۱۹ در این دو سفرنامه ثبت شده است. رویدادهای این سفر که حاج عباس میرزا از آن به ایجاز و اشاره سخن گفته شرح داده شده و منزل به منزل راه حج و شرایط وصف گردیده است. مسیر انتخابی برای حج که از راه انزلی - استامبول به جده راهی است که به نوشته یکی از سفرنامه نویسان «هم خوف اتلاف مال، هم خوف تلف جان و هم از دست رفتن وظایف و عبادات یومیّه فریضه...»<sup>۲</sup>

این مسیر با سختی های طبیعی مانند راه، زمین، آب و هوا و مشکلات دیگر، چنان پر خطر و آسیب بوده که سلامت و زنده برگشتن حاجی دشوار بوده است. آن گونه که در سفرنامه امیرنظام آمده یکی از خطرات خطر قونسول بوده که اموال مسافران به ویژه حجّاج را به غارت برده و دار و ندارشان را مصادره می کردند.<sup>۳</sup> قرنطینه برای سلامت که در این متن بارها تکرار شده در سفرنامه امیرنظام قراگوزلو چنین آمده است «...اگر ناخوشی در کشتی نباشد مسافری آن سه روز قرنطینه دارند و اگر ناخوشی باشد دوازده روز قرنطینه خواهد بود. چنانکه در بین دوازده روز در میان قرانطین یک نفر از طاعون و یا وبا تلف شود دوازده روز دیگر از ساعت ناخوشی تمدید قرنطینه می شود تلف شود»<sup>۴</sup>

این ناخوشی برای مسافرین حج، ناشی از رنج و خستگی راه و تغییر آب و هوا و تغذیه و

۱. این دو سفرنامه همراه با چهل و هشت سفرنامه دیگر در هشت جلد با عنوان «پنجاه سفرنامه حج قاجاری» به کوشش جناب آقای دکتر رسول جعفریان در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات علم تهران به چاپ رسیده است. جلد نهم این مجموعه با نام «چهارده سفرنامه حج قاجاری دیگر» از همان ناشر در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

۲. پنجاه سفرنامه حج قاجاری ج ۱ ص ۴۲

۳. همان، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.

۴. همان، ج ۷ ص ۲۴۹

کمبود امکانات اولیه بهداشت و... بسیار طبیعی بوده است.

مهمترین حادثه در حج این سال و همچنین سالهای دیگر بیماری فراگیر وبا از مکه تا مدینه بوده است. به گفته امیرنظام قراگوزلو: «... ناخوشی وبا از مکه تا مدینه در میان حاج بوده یک ثلث از حاج تلف شدند و آنچه رسیده اند نیمه جان، از گرمی هوا و بد رفتاری اعراب و تاخت و تاراج های از ینبع به مدینه حکایت ها می کنند که عقل بشر متحیر می ماند»<sup>۱</sup>

«... روز و انفسا است. یویقر المرء من اخیه [سوره عبس: ۳۴] ... خداوند حفظ کند که آیا روزگار این مردم چه خواهد شد! ... سالی ده هزارالی پنجاه - شصت هزار نفوس در این راه تلف می شود و یک نفر نیست به حال علاج این کار باشد یا حرفی بگوید یا چیزی بنویسد»<sup>۲</sup>

گفتاری رایج دیگر حجّاج در سفر غارت اعراب در بین راه جده تا مکه است و چنانکه آمده تمام حاجیان را برهنه کرده و دارایی شان را به یغما برمی بردند.<sup>۳</sup> چپاول اعراب بیابان نشین و غارتگر چنان مرسوم بوده که در اکثر قریب به اتفاق سفرنامه ها از آن سخن گفته شده است.

متن این اثر در اوراق پیوست یک کیف جیبی چرمی، به قلم مؤلف کتابت شده است. این کیف دو بخش دارد نخست سی برگ کاغذ برای یادداشت و پنج قطعه برای گذاشتن پول.

متن در ۱۹ سطر در قطع ۹ × ۱۸ به خط تحریری نسخ و ارقام به سیاق تحریر شده است. نشان آبدیدگی و آسیب موریانه در اوراق دیده می شود. این نسخه متعلق به حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ غفار علی بیگدلی فرزند مرحوم مشهدی جبار، نوه عباس میرزا است و در تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۹۴ وقف کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی گردیده است.

واقف این اثر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ غفار علی بیگدلی از نوادگان حاج عباس میرزا است. ایشان در سال ۱۳۵۱ ق/ ۱۳۱۱ ش در روستای جرین متولد شد. تحصیلات خود را در مقدمات و تجوید و احکام شرعی در زادگاهش نزد پدر بزرگوارش مرحوم مشهدی جبار فراگرفت. تابست و دوسالگی به کشاورزی در روستا پرداخت و در کنار آن به مکتب داری و آموزش قرآن و احکام اشتغال داشت. در سال ۱۳۳۳ به حوزه علمیه قم آمد

۱. همان ج ۷ ص ۲۷۲

۲. همان ج ۷ ص ۲۷۴

۳. همان ج ۷ ص ۲۶۷-۲۶۹

و تحصیلات خود را پی گرفت. از جمله اساتید وی در درسهای شرح لمعه، حاج شیخ فیاض حیدری اندآبادی، حاشیه ملا عبدالله نزد شیخ غلامحسین فخمی اهری، مکاسب، میرزا علی مشکینی و سید محمد جواد خطیب تبریزی، رسائل، میرزا مصطفی اعتمادی، کفایه از درس سید محمد باقر سلطانی طباطبایی می توان نام برد. ایشان در درس خارج فقه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و آیت الله سید کاظم شریعتمداری و درس خارج اصول آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله سید محمد محقق داماد شرکت کرد. و همزمان به تدریس صرف و نحو و منطق و فقه (شرح لمعه) در حوزه علمیه قم پرداخت. ایشان در اوایل انقلاب به مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی شهرستان خدابنده و از سال ۱۳۶۳ به قضاوت در دادگاههای مدنی خاص و دادگاه خانواده قم و مستشاری عالی دادگاه تجدیدنظر دادگستری قم پرداخت. اکنون در سالهای بازنشستگی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ در شهر قم اشتغال دارد. نگارنده سطور از لطف و بزرگواری ایشان برای در اختیار نهادن این نسخه، کمال تقدیر و تشکر داشته و از خداوند قادر و متعال برایشان آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون دارد. امید اینکه اسناد و مدارک ارزشمند و نسخه های خطی که در اختیار برخی خانواده ها و کتابخانه های خصوصی است، منتشر شود و منابعی نواز حقایق ناگفته تاریخی و علمی در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.



#### متن سفرنامه

خداوندا! امید به تو

[۲۷ رمضان ۱۳۱۹: حرکت از رشت]

حرکت از رشت بیست و هفتم ماه مبارک دو ساعت از روز گذشته، وارد پيله بازار [پیر بازار] شدیم. کرجی نشسته دو فرسخ از روی آب رفته بارکس<sup>۱</sup> آمد. از کرجی بیرون شده داخل کز شده روی آب رفته یک ساعت به غروب مانده رسیدیم انزلی توی شهر سرای یک سرییک؟ در آنجا منزل نموده، فردا کرجی نشسته به قرار دو ساعت روی آب رفته به کشتی مبارکه نشسته شب و روز رفته، رسید بادکوبه. شب میان دریای قلمز مانده. دو ساعت از روز رفته از کشتی مبارکه بیرون شده، رفته توی بادکوبه، سرای منزل نمودیم. دو روز در آنجا مانده، تذکره ها قول کشیده بیست و هشتم دو ساعت غروب مانده از بادکوبه حرکت کرده رفتیم ماشین خانه.

[۲۸ رمضان: حرکت از بادکوبه (باکو)]

در آنجا مانده شش ساعت از شب گذشته سوار ماشین شده راه افتاده شب و روز رفته دو ساعت از عید فطر گذشته، وارد باطوم شده<sup>۱</sup>. در ماشین به قرار یک ساعت سر کوه رفته، دریای عمان [کذا، صحیح سیاه] باطوم در لب او واقع شده است قره دنگیز<sup>۲</sup> می گویند.

[۳۰ رمضان: باتوم]

از باطوم روز چهارشنبه شش ساعت به غروب مانده آمدیم. لب دریای سیاه که قره دنگیز می گویند. در سرپول [پل] مانده، نیم ساعت به غروب مانده، شب پنجشنبه وارد کشتی شده در آنجا منزل گرفتیم. شب راه افتاده، دو ساعت از شب پنجشنبه رفته کشتی نزدیک شهر رسید. اسم آن شهر رزه بود. دو ساعت کشتی را نگه داشته بار آمده، به کشتی گذاشته بعد از آنجا حرکت کرده چهار ساعت به غروب، شب جمعه مانده، کشتی آمد. برابر درّه بزان [طرابزون] چهار ساعت الد؟ دو ساعت از شب گذشته در برابر درّه بزان ایستاده، بار آورده به کشتی گذاشته، بعد از آن راه افتاده طلوع اول صبح در برابر شهر کرسون رسیده، کرسون نگه داشتند، بار آورده حمل کرده، چهار ساعت نگه داشته اند. بعداً کشتی راه افتاده، از باطوم تا اسلامبول چندین منزل معطل نموده، بار داده گرفته. از آن جهت معطل کرد. روز جمعه چهار ساعت به غروب مانده کشتی در برابر اردوباد رسید. دو ساعت به غروب مانده حرکت داده، صبح اول روز شنبه در برابر سامسون رسید. نگه داشته به قرار هشت ساعت در برابر سامسون معطل شده. دو ساعت به غروب مانده. کشتی از برابر سامسون حرکت کرد.

شش ساعت از روز دوشنبه اسلامبول نمایان شد. چهار ساعت از روی دریا در میان کشتی طرف عین طرف یسار اسانبول بود. دامنه کوه لب دریا از دو طرف دریا، کوه آمده به هم نزدیک شده، دهنه اسلامبول می گویند.

[۲۰ شوال: حرکت از استانبول]

روز دوشنبه میان اسلامبول آمده، کرجی آمده، خرده ریزرا کرجی گذاشته، نشسته، آمدیم به پل. چون دریا میان اسلامبول است. داخل شدیم توی اسلامبول سرای [؟] منزل گرفته. بیستم شوال سه ساعت غروب مانده حرکت نموده، آمدیم لب دریا کرجی نشسته آمده کشتی

۱. در حاشیه نسخه «راه ماشین سی و شش منزل است. اول گنجه، قره داغ، قره باغ، قره اوغلان، تفلیس، باتوم»

۲. صحیح قره دنیز به معنی دریای سیاه

نشسته، شب در آنجا مانده. چهار ساعت از روز گذشته راه افتاد قلعه چاناق [چاناق قلعه] رسیده. یمن و یسار کوه بود، رسیدیم کوراضمیر [ازمیر] با همراهی حاجی دین محمد رفتیم تماشا نمودیم یک ساعت قدیمی<sup>۱</sup>. بعد یک ساعت آمده حرکت نموده آمدیم شهریونان قورخانه. توی توی توپخانه عسکر، سرباز مزقان [؟] شیپور حذر میدادند. حکیم آمده به زوار نگاه کرده که الحمدلله صحیح و سالم بودند. بعد حرکت کرده آمدیم اسکندریه. یک ساعت به غروب مانده از کشتی آمده، آمدیم قرین تو [قرنطینه] گذاشته گمرک گرفته، شش ساعت از شب گذشته آمدیم توی شهر، منزل گرفته سه روز آنجا مانده، ماشین سوار شده آمدیم سوئز از اسکندریه تا سوئز سه منزل دوروز شد. از اسکندریه یک روز در آنجا مانده تذکره ها را قول کشیده آمدیم. لب دریا به کشتی سوار شدیم، جا نشد. در آنجا معطل شده. ماه ذی قعدة را دیده. خداوند عالم سلامتی دهد. ان شاء الله تعالی می نویسم.

[۲ ذیقعدة: طور سینا و جده]

دویم ماه ذی قعدة حرکت نموده، روز سه شنبه آمدیم طور سینا قرین تو بعد از چهل ساعت آمدیم کشتی حرکت داده آمدیم ینبوع. در آنجا حرکت کرده چهار ساعت از شب جمعه رفته اخبار نموده احرام بستیم، آمدیم جدّه دوشب در کشتی خوابیده بعد از دوروز بردند قرین تو آن هم جزیره ای بود به اسم ابوسعید. در آنجا چهارشب خوابیده تذکره گرفته. دهم ذی قعدة حرکت کرده آمدیم جدّه. از جدّه چهاردهم ذی قعدة حرکت نموده آمدیم جدّه منزل نمودیم. شب در آنجا مانده صبح حرکت نموده دو ساعت غروب مانده وارد مکه معظمه شدیم.

[۱۶ ذیقعدة: مکه]

شب شانزدهم ذی قعدة در منزل خوابیده صبح رفتیم حنّام. بعد از باب سلام آمدیم حرم شریف دعا خوانده، هفت شوط نموده، دو رکعت مقام ابراهیم علیه السلام را خوانده از باب رحمت بیرون شده آمدیم هفت طواف، صفا و مروه نموده و تقصیر کرده آمدیم، دو رکعت نماز خوانده آمدیم از احرام بیرون شدیم. بعد از دوروز رفتیم قبور بنی هاشم. اول: خدیجه کبری؛ دوم: آمنه، سیم: ابوطالب، چهارم: عبدالمطلب و عبدالمنفذ این دو در یک خانه است. بعد آمدیم رفتیم مولد فاطمه زهرا علیها السلام (خانه حضرت خدیجه)، دوم: وضوگاه محمد مصطفی. سیم: مولد حیدر کرار، چهارم: مولد محمد مصطفی صلوات الله علیه وآله.

۱. منظور برج ساعت ازمیر که از مکان های دیدنی ترکیه است.



بعد آمدیم. هرروز کار ما بود. می رفتیم حرم طواف نموده بعد نماز. خداوند ذوالجلال سلامتی دهد ان شاء الله.

از رشت تا انزلی یک روز. از انزلی تا بادکوبه دو روز. از بادکوبه تا باطوم، با ماشین دو روز. عید فطر رسیدیم باطوم. از باطوم حرکت کرده آمدیم اسلامبول. از اسلامبول حرکت نموده آمدیم اسکندریه. از آنجا حرکت نموده آمدیم ینبوع. بعد رفتیم جزیره ابوسعید. چهار روز آنجا مانده رفتیم جدّه. تا مگّه هشت فرسخ هست دو منزل شتر می شود.

تذکره ایران سه تومان و یک قران

تذکره قونسول روس یک تومان و شش قران و ده شاهی

تذکره بادکوبه پول روس دو مناط و یک عباسی

تذکره باطوم یک مناط و یک عباسی

تذکره اسلامبول شصت و هفت قروش

سوئز نه قروش

جزیره جدّه سی و هفت قروش و نیم باقرین تو [قرنطینه]

کرایه کرجی پانزده قروش

در جدّه دفعه دو قروش و نیم

تذکره دو مجیدی

### کرایه

از رشت تا پیله بازار دو قران و ده شاهی

از پیله بازار رشت تا انزلی یک قران

از انزلی تا بادکوبه دو مناط

از بادکوبه تا باطوم کرایه ماشین هفت مناط و دو عباسی

کرایه باقی ماشین پنج مناط دو عباسی

کرایه کشتی از باطوم تا اسلامبول نه مناط و نیم

کرایه کرجی اسلامبول کشتی نه صنّار

کرایه کشتی بانتوق؟ سه لیره

تذکره سوئز چهار قران و ده شاهی

تذکره جده سی و هفت فروش  
از جده تامکه معظمه کرایه شتر نه مجیدی  
ششلول نمره نه تومان، ساعت دو عدد نه تومان  
جانمازسه عدد یک تومان و پنج قران  
ماهوت<sup>۱</sup> چهل زرع و نیم چهار تومان و پنج قران  
بانکه دوزرع و یک تومان و پنج قران  
پتو؟ دو تومان؛ ایضا جور دیگر دو تومان، احرام چهار تومان  
کلاه پنج قران، خورده ریزیک تومان  
سرچپوق هفت عدد، زنجیر [بدون قیمت]، قبله نما [بدون قیمت]،  
از کورازمیز:  
پنج لول هفت تومان، ساعت دو تومان و پنج قران  
از اسکندریه تفنگ ده تومان، دوربین سه تومان و پنج قران  
تسییح یسریک تومان، تسییح سفید پانزده تومان، تسییح زرد ده تومان  
قرآن دو قران و ده شاهی، سی جزء پنج تومان، جاسرمه ای شش قران  
سرمه سفید و سیاه دوازده تومان، موم خالص [بدون قیمت]،  
خلفه مکه دو قران و ده شاهی، چاقو دوازده تومان  
او کح دو قران و ده شاهی، سنای مکه دو قران و ده شاهی  
زاج سفید تنطور (داروی زخم) [بدون قیمت]  
سنگ چخماق [بدون قیمت]، جوز مکه [بدون قیمت]، خیک [بدون قیمت]



۱. ماهوت یک نوع پارچه پشمینه کلفت پرزدار نفیس است که از آن لباس و پرده و غیره می‌دوزند.